

خشونت جنسی به مثابه جرم علیه بشریت

مصطفی سراجی^۱، سید محمد علی حسین زاده^۲

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز بین المللی عسلویه

چکیده

پیشگیری و برخورد با خشونت های جنسی در راستای حفظ کرامت ذاتی انسان است. لذا، در حقوق بین الملل کیفری، جرم علیه بشریت جرمی بین المللی است و بر این اساس از جرم داخلی متمایز می شود که ارتکابش دامن کل بشریت را می گیرد. قربانیان چنین جرمی تنها کسانی که مستقیماً از ارتکاب آن لطمه می بینند نیستند بلکه همه بشریت اند. چنین جرایمی شامل قتل، ریشه کنی، به بردگی کشیدن، اخراج از کشور، زندانی کردن، شکنجه، تجاوز جنسی، و تعقیب و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی می شود. که البته این مفهوم با مفاهمی همچون جنایت جنگی متفاوت است. لذا در پژوهش حاضر با روشی تحلیلی- توصیفی به بررسی خشونت جنسی به مثابه جرم علیه بشریت، پرداخته شده است. و با مراجعه به اسناد و مدارک بین المللی، به مطالعه پیرامون موضوع مذکور پرداخته شده است، با توجه به رویکرد مجامع و سازمانهای بین المللی به خشونت جنسی مشاهده گردید، که امر با حساسیت درخورد این موضوع مورد عنایت واقع نشده و مواردی از قبیل شرط عضویت کشور مورد مخاصمه قرار گرفته و حق وتوی برخی اعضا در شورای امنیت می تواند خلاهایی را برای گروهها و یادولتهای سودجو جهت سوء استفاده از موقعیت شان فراهم نماید. که این امر نیازمند تلاش های مسئولان ذیربط در این خصوص می باشد.

واژه های کلیدی: خشونت جنسی، دیوان کیفری بین الملل، جرم علیه بشریت.

مقدمه

با پیشرفت جوامع بشری، در عرصه گوناگون علمی، صنعتی و فنی، در سده‌های اخیر به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، به تدریج موجب تحول جامعه جهانی، ارزشها و امیدهای انسانها شده است. توسعه صوتی- تصویری رسانه‌های گروهی و نیز رشد شتابنده حمل و نقل به نوبه خود ارتباط میان کشورها و شهروندان آنها را آسان و سریع نموده، بطوریکه امروزه سخن از دهکده کوچک جهانی به میان آورده می‌شود. ارزشهای بشری استقرار یافته از یک سو و ظهور ارزش‌های جدید مشترک بین‌المللی که به برکت پیشرفته‌ها امکان رشد یافته است از سوی دیگر سبب گردیده است تا سرنوشت همه کشورها و اصولاً نوع بشر به هم گره بخورد. در این میان جنگها به عنوان عامل اصلی، توسعه جوامع را که برای تساوی حقوقی و اجتماعی زنان امری مهم است تحت تأثیر خود قرار داده و زنان را به عنوان قربانیان اصلی و بی دفاع جوامع به سوی نابودی و انزوا و تبعیض رهنمون ساخته است. از جمله مشکلات حاد بین‌المللی زنان مسئله تجاوز نظام‌یافته، به زنان در مناقشات مسلحانه است با هدف پاکسازی قومی به طور وحشیانه صورت می‌پذیرد که مسلماً برخورد قاطع و جدی جامعه بین‌المللی می‌تواند تأثیر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب به این اعمال غیر انسانی داشته باشد. به طور مثال در دوره جنگ جهانی دوم، حدود یکصد هزار تا دویست هزار زن به نحوی منظم استخدام یا ربوده شدند و با رفتار سبعانه‌ای که در موردشان صورت می‌گرفت مجبور می‌گردیدند تا به عنوان زنان آرامش بخش، در خدمت سربازان ژاپنی قرار گیرند. زنان آرامش بخش اگرچه ۸۰٪ اهل کره بودند، اما شامل زنان ژاپنی، فلپینی، چینی، اندونزیایی، و اروپایی نیز می‌شدند. قرار بر این بود که هر زن در هر روز تقریباً به ۳۰ سرباز خدمت کند، و در عوض مزد ناچیزی می‌گرفت یا اصلاً مزدی دریافت نمی‌نمود. در جایی که زنان قربانی تجاوز جنسی، مدرکی برای تجسم برتری نیروهای خصم و تسخیر قلمروی انسانی اند، تجاوز جنسی می‌تواند نوعی پیام بین نیروهای متخاصم باشد. خشونت جنسی از قبیل حاملگی‌های اجباری و ازدواج‌های تحمیلی با تحلیل احساس هویت شخصی زنان و تخریب روابط اجتماعی داخل گروه-های انسانی منجر به تضعیف روحیه اشخاص و جوامع می‌شوند.^۱ در اثر تجاوزات جنسی نظام یافته، بارداری‌های اجباری و تمامی اشکال دیگر خشونت‌های جنسی بر علیه زنان، شرف انسانی و حقوق طبیعی انسانی آنان روز به روز بیشتر مورد تعرض قرار می‌گیرد. در مجموع می‌توان اینگونه بیان نمود که: برای قرن‌ها تجاوز به عنف و خشونت جنسی علیه زنان، تاکتیکی جنگی و یکی از خصیصه‌های غالب مخاصمات مسلحانه بوده است.^۲

مؤذن زادگان و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان خصومت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی، به بررسی این موضوع به عنوان یکی از موضوعات مهم در عرصه بین‌المللی پرداخته است، و به بیان این مطلب پرداخته است که، جهان هرروز شاهد جنگ‌های بین‌المللی و داخلی می‌باشد. پیشگیری از این مخاصمات در گرو توسعه مردم سالاری و رعایت حقوق بشر و حکومت قانون در ابعاد گوناگون آن است. در این میان زنان و کودکان با اینکه عامل برانگیختن جنگها نیستند، اما بیشترین لطمات را این وقایع برخوردار می‌شوند. از جمله مشکلات حاد بین‌المللی زنان مسئله تجاوز نظام یافته علیه زنان و کودکان در مناقشات مسلحانه است که با هدف پاکسازی قومی، و ... به طور وحشیانه صورت می‌پذیرد. مسلماً برخورد قاطع و جدی جامعه بین‌المللی می‌تواند تأثیر مطلوبی در جلوگیری از ارتکاب به این اعمال غیر انسانی داشته باشد.^۳ کرباسی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان خشونت علیه دختران در مخاصمات مسلحانه به بررسی ابعاد حقوقی این امر به عنوان

^۱ مؤذن زادگان، حسنعلی، حیدری، محمدعلی و منتظری، امین ۱۳۹۲؛ خصومت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۵، شماره ۱۷، ص ۴.

^۲ صابر، محمود و میرمجیدی هسجن، سپیده ۱۳۹۲؛ بررسی تطبیقی جرم انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگوسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی، حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش‌های موضوع حقوق بین‌الملل، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۲، ص ۹۹.

^۳ مؤذن زادگان، حسنعلی، حیدری، محمدعلی و منتظری، امین ۱۳۹۲؛ خصومت‌های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین‌المللی، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۵، شماره ۱۷.

یکی از مصادیق جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت پرداخته و بابیان مصادیق آن در اعصار گذشته و معاصر، این رویکرد را موجب تغییر چهره زندگی افراد تحت این عمل قرار گرفته دانسته و این گونه بیان داشته است که این قبیل اعمال اثرات جنگ را برای کشورهای درگیر سخت می‌کنند. او در ادامه به اقدامات جوامع و سازمان‌های بین‌المللی در راستای مقابله با اینگونه جرائم پرداخته است.^۴ محمد خانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان جرایم علیه بشریت در رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد، به بررسی جرائم علیه بشریت، به عنوان یکی از مهمترین جرائم بین‌المللی، که در رویه‌های قضایی دادگاههای کیفری بین‌المللی رواندا و یوگوسلاوی سابق، به کرات مورد حکم قرار گرفته است پرداخته و در ادامه به بیان این مطلب پرداخته است که: در آراء صادره از این دادگاهها، عنصر مادی این جرم، ارتکاب یکی از جرایم پایه، در چارچوب یک حمله گسترده یا سازماندهی شده است، که البته برخی دادگاهها، هر دو شرط گستردگی و سازماندهی شده را با هم لازم می‌دانند و برخی دیگر، با پیروی از حقوق بین‌المللی عرفی وجود هر یک از آن دو را کافی دانسته‌اند. قربانیان این جرم نیز مطابق رویه محاکم کیفری بین‌المللی افراد غیر نظامی هستند. این افراد به کسانی اطلاق می‌شود که هیچ گونه فعالیتی به عنوان نیروهای نظامی در جنگ ندارند و در نتیجه شامل افرادی که از خود دفاع می‌کنند و یا رزمندگانی که سلاح خود را بر زمین می‌گذارند نیز می‌شود. از نظر عنصر روانی نیز لازم است مرتکب جرایم علیه بشریت، علاوه بر قصد ارتکاب جرایم پایه، از وجود حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی، آگاه باشد و نیز بداند که رفتار او قسمتی از چنین حمله ای را تشکیل می‌دهد.^۵ خاک (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری، به بیان این مطلب پرداخته است که: خشونت جنسی به ویژه علیه صدها هزار زن و کودک در تمامی نقاط دنیا واقعیتی تلخ می‌باشد. خشونت جنسی در طول تاریخ اغلب به عنوان تاکتیکی جنگی برای تخریب غرور و شرافت ملی به کار می‌رود که نه تنها فرد قربانی بلکه کل جامعه وی را تحت تاثیر قرار داده و موجبات تخریب فرهنگ و هویت وی را فراهم می‌آورد. خشونت جنسی که اصطلاحی وسیع تر از تجاوز به عنف است مصادیق گوناگونی را تحت پوشش قرار می‌دهد و در طول تاریخ چه در عهدنامه های بین‌المللی مربوط به مخاصمات مسلحانه و چه در میان آراء صادره از محاکم بین‌المللی کیفری به ویژه دادگاههای کیفری یوگوسلاوی سابق و رواندا طی فرآیندی به عنوان جنایت بین‌المللی قلمداد شده است که دارای عناوین مجرمانه متعددی می‌باشد.^۶ جی سیندر (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان تعریفی جدید از جنایتکار جنگی: روز نازی ها، تعقیب جنایی جنگی در زمان کنونی، به بیان این مطلب پرداخته که، در اوایل سال ۱۹۴۲، نیروهای متفقین تصمیم به مجازات جنایتکاران جنگی گرفتند. رهبران ایالات متحده، بریتانیا، و اتحاد جماهیر شوروی به طور مشترک عهد کردند که کسانی که مسئول جنایات علیه مردم غیر نظامی و اعمال خشونت جنسی به زنان و دختران بودند؛ به خصوص کسانی که جرائم مربوط به قتل عام یهودیان اروپا را انجام دادند، محکوم کنند. مسکو در بیانیه‌ای که توسط ایالات متحده، بریتانیا، و اتحاد جماهیر شوروی، امضا شد اظهار داشت که در زمان آتش بس، کسانی که به عنوان مسئول جنایات جنگی شناخته شدند، به کشور خود فرستاده شوند و با توجه به قوانین میهن خود مجازات گردند. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، هر دو جمهوری فدرال آلمان (آلمان غرب) و جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرق) به محاکمه و مجازات متهمان عصر نازیسم ادامه دادند. پس از آن، جرائم سبک مربوط به بسیاری از متهمانی که در آن زمان به سن بالا رسیده بودند، با تبرئه به پایان رسید.^۷ کریس جنکس (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان، قانون تجاوز جنسی به عنوان یک قانون بر علیه خشونت جنگی و گزارش اعضای سرویس ایالات متحده، به بررسی زمانی پرداخته است که، اعضای سرویس ایالات متحده به افغانستان اعزام شدند و موظف به گزارش اتهامات تجاوز

^۴ کرباسی، آرزو، ۱۳۸۹؛ خشونت علیه دختران در مخاصمات مسلحانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

^۵ محمدخانی، عباس، ۱۳۸۹؛ جرایم علیه بشریت در رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

شهید بهشتی، سال ۳، شماره ۱۲.

^۶ خاک، روناک، ۱۳۸۸؛ جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری، نشریه حقوق بین‌الملل، شماره ۳۹.

^۷ Snyder, J. (2016). A NEW DEFINITION OF A WAR CRIMINAL: PRESENT DAY NAZI WAR CRIMINAL PROSECUTIONS. *Chi.-Kent J. Int'l & Comp. L.*, 16, 164-164.

جنسی توسط نیروهای امنیتی افغان علیه اتباع افغانستان به ارتش ایالات متحده گردیدند. اما پاسخ به این سوال نیازمند استفاده از یک نهاد سابقه دار و وابسته به وزارت دفاع برای گزارش قانون نقض جنگ بوده و منوط به این بود که آیا رابطه‌ای بین تجاوز جنسی و درگیری‌های مسلحانه در افغانستان وجود دارد یا خیر. اگر چه توجه به این موضوع، نیازمند بررسی بیشتری به تجاوز جنسی در مناطق جنگی را موجب گردیده است، اما اظهارات وسیع رسانه‌ها و ارتش متأسفانه باعث به حاشیه کشیده شدن بیشتر بحث در این زمینه گردید. در همین راستا پژوهش حاضر این نکته را بیان نموده است که در موضوعات مشابه هیچگونه تعهدی در خصوص گزارشات، وجود ندارد، بلکه این گزارشات را تنها می‌توان به عنوان چارچوبی برای ارائه چنین موضوعاتی در نظر گرفت.^۸ ایزنی و جونز (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان تجاوز و خشونت جنسی در جنگ: برپایی یک اصل قانونی فسخ نشدنی؟ او در این پژوهش بررسی جنایات و تجاوزات جنسی خشونت‌آمیز (SGBV) علیه زنان در کشاکش جنگ و طریقه پیگیری قانونی این جنایات و واکنش دادگاه‌های بین‌المللی جنایی، می‌پردازد. لذا در ادامه به بیان این مطلب پرداخته است که، خشونت‌های جنسی علیه زنان و هتک حرمت‌ها، به عنوان جنایت‌های جنگی در عرف و قوانین بین‌المللی همیشه به درستی محکوم نمی‌شوند و در نتیجه به درستی مجازات نمی‌گردند. بر همین اساس روند تکاملی عرف و قوانین بین‌المللی معاصر بر اساس حقوق الهی در دادگاه‌های بین‌المللی در حال انجام است، از جمله: دادگاه جنایات بین‌المللی در مورد یوگوسلاوی (ICTY)، دادگاه بین‌المللی جنایات رواندا (ICTR)، و حمایت آن از طرف قوانین رم، دادگاه بین‌المللی جنایات (ICC)، بنابراین، نیاز به وجود آن و تفهیم معنی آن توسط دادگاه‌های بین‌المللی حمایت و محافظت می‌شود.^۹ دناو (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان، کودکان حاصل از بی‌بند و باری در زمان جنگ: واقعیات بین نسلی خشونت جنسی و سوء استفاده، به بررسی و کشف پیچیدگی بین نسلی جنایات و خشونت‌های جنگی پرداخته است. بحث جنبی مفاهیم چندگانه تجاوزات جنگی برای مادران این کودکان، روشی برجسته در بین‌راه‌هایی است که تحقیق، سیاست، ممارست، و برنامه‌های سیاست سلامت را می‌طلبد و می‌تواند منجر به پیگیری مجموعه‌ای از نیازها گردد. و در ادامه به بیان این مطلب که زنان در بیشتر موارد، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. و در نتیجه این امر منجر به تولد هزاران کودک ناخواسته شده است. متولدین حاصل از تجاوزات جنگی، کودکانی هستند که عمیقاً تحت تاثیر بنیادهای زیستی‌اند و متعاقباً توسط خانواده‌ها، جامعه و اجتماعشان تحت تاثیر قرار می‌گیرند. لذا او در پژوهش خود، اقدام به افشای تبعاتی که ممکن است در مواجهه با این کودکان به نظر برسد، نموده است. و در همین راستا به بیان این مطلب پرداخته است که، هنوز سیاست‌های پس از جنگ و برنامه‌های سیاست سلامت، در مجامع بین‌المللی و کشورها به بررسی این جمعیت از کودکان می‌باشند.^{۱۰}

با توجه به اهمیت جرائم بین‌المللی که در رویه‌های قضایی و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی همچون رواندا، یوگوسلاوی سابق، که به کرات مورد محاکمه و بررسی قرار گرفته است، جرایم علیه بشریت یکی از شنیع‌ترین جرائم بین‌المللی به شمار می‌رود. اما آنچه با نگاه به اسناد بین‌المللی مشاهده می‌شود، اشاره به جمعیت غیر نظامی در اسناد بین‌المللی است، که بیشتر بر جنبه جمعی جرم، در جرائم علیه بشریت تأکید دارد تا وضعیت بزه دیدگان، چراکه بر همین اساس، اعمال منفردانه یا مجزا در حدی نخواهند بود که بتوانند جرایم ضد بشری را تشکیل دهند. شعبه دوم دادگاه یوگوسلاوی در رأی خود اینگونه اظهار می‌دارد که: "جرایم ضد بشری باید علیه جمعیتی غیر نظامی ارتکاب یابد تا شامل اعمال خاص و فردی نشده بلکه در مقابل، منظور از آن «یک سلسله رفتار» باشد". از دیگر خلاءهای موجود در این خصوص، تحقق عنصر مادی جرم، در جرائم علیه بشریت است، چراکه بر همین اساس رفتار مرتکب باید بخشی از حمله گسترده یا سیستماتیک را تشکیل دهد، لذا یک رفتار خشن نامنظم و

⁸ Jenks, C., & Morse, J. (2016). Sexual Assault as a Law of War Violation & US Service-Members' Duty to Report.

⁹ Ezeani, E. C., & Jones, R. E. (2016). Rape and sexual violence in war: establishment of a non-derogable norm?

¹⁰ Denov, M. "Children born of wartime rape: The intergenerational realities of sexual violence and abuse." *Ethics, Medicine and Public Health* 1.1 (2015): 61-68.

بدون نقشه موجب تحقق جرائم علیه بشریت نخواهد بود، به عبارت دیگر عنصر مادی جرائم علیه بشریت شامل رفتارهای غیر انسانی تصادفی و بدون محاسبه نخواهد بود.

لذا با توجه به مطالب مطروحه، می‌توان اینگونه بیان نمود که با وجود اینکه این جرایم دارای موارد بی شماری در سطح جهان می‌باشد، که در منشورها و اساسنامه‌های مختلف از آنها نام برده شده است. اما به نظر می‌رسد مجامع بین‌المللی سعی دارند به گونه‌ای، هم‌کیان نهاد خود را حفظ کنند هم‌بنابر دلائلی با ایجاد برخی خلاءهای قانونی دست‌گروه‌ها و یا کشورهای سودجو را در این راستا باز بگذارند، لذا با توجه به اینکه حوزه جرائم علیه بشریت از گستردگی زیادی برخوردار بوده و شامل جنایات جنگی نیز می‌گردد، و با توجه به اینکه این قبیل جنایات شامل جرایمی است که دولت‌ها در کشورهايشان علیه اتباعشان انجام می‌دهند و این نکته حتی در معاهدات بین‌المللی مانند منشور نورنبرگ نیز نادیده گرفته شده و مغفول مانده است.

این پدیده زشت در صحنه اشغال عراق و به طور خاص در زندان ابوغریب حضوری پررنگ داشته است. در پدیده‌ای کم‌نظیر در این نوع از خشونت‌های جنسی این قبیل موارد تنها شامل زنان و دختران نبوده بلکه شامل مردان نیز گردیده است. در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که جرائم جنسی به مثابه جرم علیه بشریت چه جایگاهی در اسناد بین‌المللی دارند.

جایگاه جرم خشونت جنسی در جرائم علیه بشریت

اسناد مهم بین‌المللی در خصوص خشونت‌های جنسی

تلاش فزاینده برای ممنوعیت اشکال مختلف خشونت‌های جنسی در معاهدات بین‌المللی، اسناد سازمان ملل متحد و بیانیه‌های دبیرکل و به خصوص ماهیت الزام‌آور کنوانسیون‌های بین‌المللی که به جرم‌انگاری جرایم خشونت جنسی پرداخته‌اند.^{۱۱} گواه بر رویه متحد کشورها در تلقی ممنوعیت تجاوز به عنف به عنوان قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌المل است. ضمن آنکه، در حقوق داخلی همه کشورها تجاوز به عنف ممنوع شده است. این ممنوعیت را می‌توان در زمره اصول کلی حقوقی ملاحظه نمود.

از جمله اسناد مهم بین‌المللی که در خصوص خشونت‌های جنسی سخن به میان آورده است، اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی، تحت عنوان نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو و تخلف از قوانین و عرف‌های جنگ، جنایات جنگی شناخته شده است. چنانچه مطابق اساس نامه دادگاه بین‌المللی یوگوسلاوی سابق، در بند الف، ماده ۲، نوعی شکنجه محسوب شده است. و یا در اساسنامه دادگاه بین‌المللی رواندا، بند ه، ماده ۴، همچنین در اساسنامه دادگاه بین‌المللی سیرالئون، بنده، از پاراگراف الف، ماده ۳ و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی، بند ۲۲، از پاراگراف ب، ماده ۸.^{۱۲}

همچنین در خصوص عناصر خاص خشونت جنسی، به مواردی از جمله:

۱- مرتکب، به بدن شخص از طریق رفتاری که نتیجه آن نفوذ، اگرچه جزئی، در هر بخشی از بدن قربانی بوده یا مرتکب با عضو جنسی یا دبر یا قبل قربانی با هر بخش دیگر بدن بوده، تجاوز کرده است.

^{۱۱} سرمست، بهرام ۱۳۸۸؛ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه‌های جدید تهدیدات امنیت بین‌المللی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸، ص ۲۰۱.

^{۱۲} صلاحی، سهراب ۱۳۹۳؛ جرائم ارتكابی در زنان ابوغریب از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، مطالعه مورد جنایات شکنجه و خشونت جنسی، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۲۶.

۲- تجاوز با زور، تهدید به استفاده از زور یا اجبار صورت گرفته، همانند تجاوزی که بر اثر ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی یا سوء استفاده از قدرت علیه شخص مزبور یا اشخاص دیگر با استفاده از محیط اجبار آمیز، ارتکاب یافته است، یا اینکه تجاوز علیه شخصی که از دادن رضایت واقعی عاجز بوده، صورت گرفته است.

۳- رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صورت پذیرفته است.

۴- مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است. اشاره کرده است.

همچنین سازمان ملل متحد به عنوان یک سازمان بین‌المللی و از جمله اشکال خشونت جنسی را بردگی جنسی دانسته و در گزارش ویژه خود این پدیده را اینگونه تعریف می‌نماید: وضعیت یا حالت شخصی که نسبت به وی هریک از اختیارات ناشی از حق مالکیت یا تمامی آنها اعمال می‌گردد، از جمله برخورداری جنسی از طریق هتک ناموس یا دیگر اشکال تعرض جنسی، تعریف فوق می‌تواند انواع بردگی مربوط به وضعیت زنان و کودکان، مانند خرید و فروش، قاچاق و موارد مشابه جنسی را شامل گردد.^{۱۳}

همچنین در خصوص پرداختن به عنصر قانونی، مادی و روانی بردگی جنسی در اسناد بین‌المللی، بردگی جنسی صرفاً در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی در مواد ۷ و ۸، با توجه به بستر و زمینه وقوع خود، جنایات علیه بشریت یا جنایت جنگی محسوب شده است. و در این خصوص مواردی را بیان داشته است، نخست آنکه، مرتکب هریک یا کلیه اختیارات متعلق به حق تملک یک یا چند شخص را از جمله از طریق خرید، فروش، قرض یا معاوضه شخص یا اشخاص مزبور یا از طریق محروم سازی مشابه از آزادی اعمال کرده است. دوم آنکه، مرتکب موجب شده که شخص یا اشخاص مزبور به یک یا چند عمل دارای ماهیت جنسی بپردازند، سوم آنکه رفتار در سیاق و همراه با یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صورت پذیرفته است، و در پایان، مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.^{۱۴}

این اساسنامه که گویای نوعی از خشونت جنسی، با عنوان عقیم سازی اجباری است، این دادگاه در پی تشکیل دو دادگاه اختصاصی جهت رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا به ترتیب در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ م تشکیل شده بود، این باور را تقویت کرد که جامعه بشری نیازمند تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی است و انجام چنین امری مقدور است. به همین دلیل کمیته‌ای به نام کمیته مقدماتی برای تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی از سوی مجمع عمومی تشکیل گردید، و این کمیته در خلال سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۸ شش بار تشکیل جلسه داد تا در نهایت به یک جمع بندی رسید، که تمام این تلاش‌ها به اجلاس کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ م انجامید. با تصویب اساسنامه رم، طیف وسیعی از جرم‌های جنسیت محور،^{۱۵} به منزله جنایت ضد بشری^{۱۶} و جنایت جنگی،^{۱۷} شمرده شد، از قبیل تجاوز،^{۱۸} برده‌گی جنسی^{۱۹}، قاچاق انسان^{۲۰}، فاحشگی اجباری^{۲۱}، جداسازی اجباری^{۲۲} و دیگر اشکال خشونت‌های جنسی، جرم انگاری حاملگی‌های اجباری، نیز

^{۱۳} هنکرتز و دسوالدیک، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، و کمیته صلیب سرخ، ۱۳۹۰.

^{۱۴} کاسسه، آنتونیو ۱۳۹۲؛ حقوق بین‌الملل، ترجمه شریفی طراز کوهی، تهران، انتشارات میزان، ص ۲۵۶.

^{۱۵} Gender-based crimes

^{۱۶} Crime against humanity

^{۱۷} War crime

^{۱۸} Assault

^{۱۹} Sexual slavery

^{۲۰} Human trafficking

^{۲۱} Forced prostitution

^{۲۲} Forced separation

بخشی از این تلاش‌ها بوده است. تا حمایت بیشتری رانسبت به زنان جلب نماید. اگر چه بر اساس حقوق کیفری بین‌المللی پذیرش حاملگی اجباری به منزله یک جرم، گامی مثبت در حمایت از زنان در درگیری‌های منطقه‌ای تلقی می‌شود، به نظر می‌رسد سطوح چندگانه قصد، که برای وقوع حاملگی اجباری ضروری است، به عدم تعقیب موفقیت آمیز جرم منجر گردد و موجب شود فلسفه جرم انگاری بارداری اجباری، بیشتر پیشگیری از ارتکاب جرم‌های قومی و حتی تعصب‌های ملی، نژادی و مذهبی به نظر بیاید تا جلوگیری از جرم‌هایی که هدف آن‌ها اعمال خشونت نسبت به زنان است. مقایسه رکن‌های حاملگی اجباری و جرم تجاوز، در کنار سایر دلایل خود اثبات کننده این ادعا می‌باشد. لذا اگرچه اساسنامه رم نخستین تلاش رسمی و قانونی در جرم انگاری صریح حاملگی اجباری تلقی می‌شود، با این حال، بیشتر حقوق دانان بر این باور هستند که این جرم می‌تواند ذیل عنوان کلی خشونت جنسی نیز مورد تعقیب قرار گیرد. بر همین اساس، شاید بتوان جرم‌انگاری خشونت‌های جنسی را به منزله جرمی علیه قانون ملتها در اوایل سال ۱۶۴۶م نخستین گام در راستای ممنوعیت حاملگی اجباری قلمداد نمود.

که با توجه به عنصر مادی در آن این جرم اینگونه تعریف می‌کند، مرتکب عمدا شخص یا اشخاصی را از طریق مواد تزریقی یا صدمه زدن فیزیکی از توانایی تولید مثل محروم سازد. عنصر قانونی عقیم‌سازی اجباری در اسناد بین‌المللی همانا، جرم‌انگاری رفتار مذکور در خلال مخاصمات مسلحانه، نیز یکی از نوآوری‌های اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری است.^{۲۳}

همچنین به موجب ماده ۸ اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری دائمی، عنوان خشونت جنسی به عنوان یکی از مصادیق جنایات جنگی محسوب شده و تا کنون در هیچ سند بین المللی تحت این عنوان، جنایات جنگی جرم انگاری نشده است. و در همین راستا، عناصر خاص مادی و روانی این عمل را اینگونه شرح داده است،

۱- مرتکب، عمل خشونت جنسی را علیه یک یا چند شخص مرتکب شده یا از طریق زور، تهدید به زور یا اجبار از قبیل آنچه به واسطه ترس از خشونت، اجبار بازداشت، ستم روانی، یا سوء استفاده از یک محیط اجبارگرانه یا استفاده از ناتوانی چنان شخص یا اشخاصی ازدادن رضایت واقعی، شخص یا اشخاص مزبور را مجبور کرده که به یک عمل دارای ماهیت جنسی بپردازند.

۲- رفتار دارای وخامتی قابل مقایسه، با نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو بوده است.

۳- مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وخامت رفتار را موجب شده، آگاهی داشته است.

۴- مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که وجود مخاصمه مسلحانه را موجب شده، آگاهی داشته است.^{۲۴}

لذا خطرناک بودن خشونت جنسی برای حقوق بشر، وجود تعبیر مختلف در خصوص مفهوم، محدوده و علل این نوع از خشونت و فقدان موانع حقوقی و قضایی جدی در برابر مردانی که به خشونت جنسی علیه زنان روی می‌آورند، بررسی مستقل آن را ایجاب می‌کند.^{۲۵}

^{۲۳} کاسسه، آنتونیو ۱۳۹۲؛ حقوق بین الملل، ترجمه شریفی طراز کوهی، تهران، انتشارات میزان، ص ۲۶۰.

^{۲۴} همان، ص ۲۷۱.

^{۲۵} صلاحی، سهراب ۱۳۹۳؛ جرائم ارتكابی در زنان ابوغریب از منظر حقوق بین المللی کیفری، مطالعه مورد جنایات شکنجه و خشونت جنسی، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۲۹.

اقدامات سازمانهای بین‌المللی در جلوگیری یا برخورد با خشونت‌های جنسی به مثابه جرم علیه بشریت

در سطح بین‌المللی، به حداقل رساندن خشونت جنسی، مستلزم تأکید عملی بر ارزش‌های انسان از بعد حیثیت، کرامت و برابری انسانهاست که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مورد تصریح قرار گرفته است. آگاه ساختن زنان و دختران با استفاده از راه‌های جایگزین برای تأمین نیازهای اقتصادی، از جمله بهترین تدابیری است که می‌تواند از سوی سازمان‌های فعال در زمینه حقوق بشر زنان و کودکان اتخاذ شود.

لذا این مهم مستلزم آن است که توجه دیده بانان حقوق بشر، علاوه بر نقض حقوق بشر در شکنجه گاه‌های جهان سوم به این امر جلب شود که جنس «زن» به عنوان کالا، شب و روز در رسانه‌های غربی تبلیغ می‌شود و تکرار این وضع شر مآور، آن را عادی ساخته است.

فرهنگ جهانی باید به سوی نهادینه کردن مفهوم شرف و حیثیت زن، به عنوان انسان، سوق داده شود و در این مهم نقش جمعی و عملی سازمانهای غیرانتفاعی، سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته فعال در زمینه حقوق بشر بسیار حیاتی خواهد بود. در یک کلام، زنان باید به جای مایه گذاشتن از شرف و حیثیت، سرپوش بر بزه‌پذیری جنسی و تن دادن به رابطه نامحدود جنسی برای کسب درآمد، حقوق اقتصادی و اجتماعی خود را از دولت متبوع خویش مطالبه نموده، بر این حقوق، پافشاری نمایند. شاید این راهکار، در کوتاه مدت جواب‌گوی نیازهای تمامی زنان نیازمند نباشد، چراکه تجربه نفوذ تدریجی مفاهیم حقوق بشر در اذهان جمعی نشان داده است. که مفاهیم بنیادین حقوق بشر را باید به دولت‌های غیرمردمی تحمیل کرد و بر پایبندی عملی دولت‌هایی که ادعای مردم‌سالاری دارند، بر این مفهوم تأکید داشت.^{۲۶}

در جریان وقایع معاصر همچون اشغال عراق و افغانستان، که به بهانه مبارزه با تروریسم توسط کشورهای سلطه‌گر بر این کشورها تحمیل گردید، و این امر منجر به از بین رفتن زیرساخت‌های عراق به وسیله بمباران و حملات نیروهای انگلیسی و آمریکایی، گردید و جرائمی مانند ربودن و قاچاق و حتی فروش زنان و دختران و اعمال خشونت‌های جنسی بر علیه آنها، به وقوع پیوست که آمار فراوانی از آنها در دست می‌باشد.^{۲۷} و حتی با وجود تشکیل کنواسیون‌ها و جلسات مکرر سازمان ملل متحد در این خصوص و تلاش برای رسیدگی به این جرائم و جلوگیری از ادامه آنها هنوز شاهد وقوع این جرائم در سطح کشورهای منطقه خاورمیانه و جهان هستیم. لذا در ادامه به بحث پیرامون مسئولیت دولتها در جلوگیری از خشونت‌های جنسی به مثابه جرم علیه بشریت پرداخته شده است.

مسئولیت دولتها در جلوگیری از خشونت‌های جنسی به مثابه جرم علیه بشریت

پیشگیری از خشونت جنسی بین‌المللی، مستلزم وضع و اجرای تدابیر داخلی و بین‌المللی است. در درون کشورها، باید زمینه قاچاق، گردشگری و بهره‌کشی جنسی خشکانده شود. در این مهم تفاوتی میان کشورها مبدأ، مقصد یا در مسیر وجود ندارد. مطالعات نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل برای تن دادن به روسپیگری و خواسته‌های جنسی دیگران، ناتوانی مالی و اقتصادی است. بنابراین کشورهای جهان سوم و در حال توسعه می‌توانند ضمن مبارزه با واسطه‌ها، دلالان و افرادی که از شرایط نامساعد اقتصادی سوءاستفاده می‌کنند، سیاست کلانی را در قالب برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت برای ریشه‌کنی فقر زنان بی‌سرپرست و تأمین اجتماعی همه زنان تعریف و اجرا نمایند. لذا، پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان، مستلزم مداخله دولت برای

^{۲۶} صلاحی، سهراب ۱۳۹۳؛ جرائم ارتكابی در زنان ابوغریب از منظر حقوق بین‌الملل کیفری، مطالعه مورد جنایات شکنجه و خشونت جنسی، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۳۰.

^{۲۷} همان، ص ۱۳۲.

حمایت از حقوق اقتصادی اجتماعی ایشان و همکاری مؤسسات غیرانتفاعی حامی حقوق زن و کودک در حمایت از حقوق جنسی زنان می‌باشد. تعهد دولتها برای پوشش اجتماعی و اقتصادی همگان، صیانت از حقوق بشر افرادی که خواسته یا ناخواسته تحت خشونت جنسی قرار می‌گیرند و اصرار بر کیفر مردان و زنان لایابالی، در زمره تکالیف بین‌المللی به شمار می‌آید که گریز یا استثنایی از آن وجود ندارد. در مورد زنان بیگانه که اغلب در کشورهای ثروتمند به فحشا کشیده می‌شوند، همین تعهد دولتها می‌تواند به هنگام طرح دعوی علیه عاملان خشونت جنسی خارجی، مستندی برای محکوم ساختن دولتها مسیر و مقصد به دلیل قصور، سهل انگاری و تجارت جنسی باشد.

دولتها از طریق نهادها یا به واسطه خط مشی عمومی خود می‌توانند مرتکب خشونت جسمی، جنسی، و روانی علیه زنان شوند. این خشونت ممکن است در پاسگاه‌های پلیس، بازداشتگاه‌ها، زندان‌ها، ایستگاه‌های مرزی، مراکز خدمات سلامت یا دفاتر مددکاری اجتماعی رخ دهد و می‌تواند به صورت تجاوز، آزار جنسی یا سایر اشکار تحقیر باشد. و یا بر اساس مطالعه دبیر کل: دولت ممکن است خشونت علیه زنان را از طریق قوانین و سیاستهای اعمال کند. مثالهایی از این قوانین و سیاستها شامل جرم‌انگاری رفتار جنسی زنان که با رضایت خودشان بوده به عنوان ابزاری برای کنترل آنان؛ سیاستهای عقیم سازی اجباری، حاملگی و سقط اجباری؛ سیاستهای حضانت حفاظتی از زنان که در واقع آنها را به نحو مؤثری زندانی می‌کند؛ و سایر قوانین و سیاستها شامل سیاست آزمایش باکرگی و و دادن مجوز قانونی به ازدواج اجباری است که خودمختاری و عاملیت زنان را در عمل به رسمیت نمی‌شناسد و کنترل مردان بر زنان را مشروع می‌داند. همچنین دولت‌ها ممکن است به واسطه قوانین ناکافی یا اجرای ناموفق قوانین از خشونت علیه زنان چشم‌پوشی نموده و مصونیت مؤثری برای اعمال مرتکبان خشونت علیه زنان فراهم کنند.^{۲۸}

هرجا که زنان از آزادی هایشان محروم می‌شوند آسیب پذیرتر می‌شوند. اعمال خشونت بار علیه زنان محبوس در همه کشورهای دنیا گزارش شده است. زنان خطر خشونت را توسط دولت و افراد در مصدر قدرت نیز لمس می‌کنند. این اتفاق ممکن است در محیط‌های حفاظتی مانند بازداشتگاه، زندان، تسهیلات مراقبت سلامت، مراکز نگهداری مهاجران، تسهیلات بهزیستی و اردوگاه‌های پناهجویان و آوارگان رخ دهد. در چنین مکان‌هایی خشونت می‌تواند شکلی آشکار مانند تجاوز، آزار و تحقیر جنسی داشته باشد، یا زمانی که نظارت ناکافی است مثلاً در حمام یا دستشویی بوده و یا به شکل برهنه کردن و جستجوی غیرضروری افراد یا حضور کارکنان مرد در آن زمان و مکان باشد.

لذا، نظام بین‌المللی حقوق بشری، دارای نهادها و سازوکارهای پیگیری در سطح بین‌المللی که شامل سطح جهانی و منطقه‌ای نیز می‌گردد و همچنین در سطح دولتها است که جلوه‌هایی از این نهادها را تشکیل می‌دهند. فراتر از رویه دولتها در خصوص حمایت از حقوق بشر در سایر جوامع، عملکرد سازو کارهای بین‌المللی به گونه‌ای است که این نهادها را به بخشی از بازیگران صحنه جنگ نرم تبدیل نموده است. ماهیت قانع کننده و جذاب حمایت از کرامت بشر که محور این نظام عنوان شده است، نه تنها قواعد ماهوی را دارای جذابیت نموده بلکه این سازو کارهای پیگیری و نظارت را نیز از احترام و منزلت برخوردار ساخته است. به گونه‌ای که وقتی عملکرد نابرابر و تبعیض آلود این نهادها مورد نقد و تقبیح قرار می‌گیرد، غربی‌ها تلاش می‌کنند با پیش کشیدن همین جذابیت‌ها، نهادهای مذکور را مبرا از اتهاماتی سازند که توسط دول و ملل دیگر در موردشان مطرح می‌شود.^{۲۹}

^{۲۸} السان، مصطفی ۱۳۸۷؛ جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۱، ص ۵۱.

^{۲۹} ابراهیمی، جهانبخش ۱۳۸۷، سیری در حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، انتشارات قلم، ص ۲۷.

نکته مهم در مورد عدم صداقت و بی‌طرفی نهادهای مذکور این است که مسیر اقدام آنها همواره جاده ای یک طرفه بوده که در آن، غرب به عنوان منادی و شاکه، دولت‌های دیگر را به محاکمه می‌کشد و خود از پاسخگویی، مسئولیت و روند محاکمه مستثنی می‌گردد. شاهد این مدعا اینکه در طول شش دهه شکل‌گیری نظام حقوق بشر، سال ۲۰۱۱ برای نخستین بار بود که شورای حقوق بشر به خود شهامت داد پرونده حقوق بشری آمریکا و عملکرد آن کشور را مورد بررسی، سنجش و ارزیابی قرار دهد. در هر حال، غرب به ویژه آمریکا، در مواردی که این سازو کارها توجیه کافی برای مداخلات آن کشور ایجاد نکنند نیز مداخلات خود را با توجیهات مختلف به انجام رسانده است. این رویکرد نه یک تفسیر و استنباط بلکه تصریح راهبرد امنیت ملی این کشور بوده است.^{۳۰} لذا می‌توان اینگونه بیان نمود که به نظر می‌رسد^{۳۱} ICC رهبری نومیدکننده‌ای در شدت نیاز اجرای کامل احکام عدالت جنسیتی داشته است. در حالی که OTP^{۳۲} به عنوان دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری همچنان در افزایش توان تحقیقی در خصوص موارد جرائم علیه بشریت استوار بوده، و با سازمان‌های غیر دولتی که به بررسی جرائم علیه حقوق زنان رسیدگی می‌کنند هماهنگ می‌باشد. و به این طریق توانسته است به صورت بی‌سابقه‌ای به بسیاری از قربانیان متناسب با جنسیت و آسیب‌پذیری در خشونت‌های جنسی دسترسی پیدا کند.^{۳۳}

نتیجه‌گیری

از ۱۹۹۰ تا کنون نشانگر فرصتی مغتنم و استثنائی برای حقوقدانان حوزه حقوق کیفری بین‌المللی در عرصه عمل بوده است. دهه نود میلادی شاهد انتقال سریع عصر طلایی حقوق در جنگ (حقوق بشردوستانه) به دوران طلایی عدالت کیفری بین‌المللی بود. در جریان این گذار، مفهوم جرایم علیه بشریت هم دستخوش تحولی در حوزه ی قانونگذاری و رویه ی قضایی گردید که به موجب آن دیگر در قید و بند‌های چارچوب حقوق در جنگ نیست. با وجود آنکه مفهوم جرایم علیه بشریت (به عنوان یک مفهوم مستقل) در حال قوام یافتن است، اما به نظر می‌رسد که هنوز هم، مسئله لزوم وجود پیوند با مخاصمه ی مسلحانه که در جریان رسیدگی‌های نورمبرگ آغاز شد، به قوت خود باقی است.

یکی از زشت‌ترین اشکال جرایم بین‌المللی جنایات علیه بشریت است که با به وجود آمدن مباحث جدیدی چون حقوق کیفری بین‌المللی، تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و الحاق تعداد زیادی از کشورها به اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مطرح گردیده است. اهمیت بحث جنایات علیه بشریت این است که به عنوان جرایم مقدماتی و زمینه‌ساز جرایم علیه صلح و یا جنایات جنگی محسوب می‌شدند. در راستای اطلاق عنوان جنایات علیه بشریت به مسئله یا رویدادی، اقدامات منفرد کشتار عمدی، یک اقدام منفرد کشتار عمدی اگر با شرایط کلی متناسب باشد ممکن است یک جنایت علیه بشریت را تشکیل دهد. به عنوان مثال تاریخی آشکار در این زمینه می‌توان به محکومیت یک یهودی عضو گشتاپو اشاره نمود که در دوران رایش سوم اجرای بخشی از عملیات محروم کردن یهودیان آلمانی را از حیات فرهنگی و اقتصادی بر عهده داشت. همان‌طور که سند عناصر جنایات صریحا اظهار می‌کند: «نیازی نیست این اقدامات، یک حمله نظامی را تشکیل دهد.» باید گفت که برای تحقق جنایات علیه بشریت، رخداد یک حمله نظامی ضرورت ندارد. همچنین توسل به زور علیه جمعیت غیر نظامی الزامی نیست. می‌توان گفت که مفهوم حمله شامل هر نوع بدرفتاری با جمعیت غیر نظامی می‌شود و می‌تواند در قالب فعل یا ترک فعل صورت پذیرد.

^{۳۰} صلاحی، سهراب ۱۳۹۳؛ جرائم ارتكابی در زنان ابوغریب از منظر حقوق بین‌المللی کیفری، مطالعه مورد جنایات شکنجه و خشونت جنسی، نشریه

مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۳۳.

^{۳۱} International Criminal Court (ICC)

^{۳۲} Office of Prosecutor (OTP)

^{۳۳} Benhassine, S. (2015) Is 'justice' ever possible for victims of gender-based violence during armed conflict? A critical reflection of the position of women within international criminal justice, p10.

از آنجا که تعیین دقیق عنوان حقوقی هریک از جنایتهای صورت گرفته توسط جنایتکاران جنگی، مستلزم ادله قانونی و علمی است. ادله اثبات دعوا در مورد اقدامات داعش شامل دو دسته، اعم از گزارش‌های رسمی مراجع رسمی مانند سازمان ملل و گزارش‌های غیررسمی است که در سطح جهان وجود دارد. گزارش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، وزارت حقوق بشر در برخی کشورها، اقدامات جنایتکارانه این گروه‌ها و افراد را نشان می‌دهد. در واقع جنایتهای این گروه‌ها و افراد، به حدی وسیع است که تردیدی در مورد وقوع آنها وجود ندارد. و حق وتوی برخی اعضا در شورای امنیت می‌تواند خللاهایی را برای گروه‌ها و یا دولت‌های سودجو جهت سوء استفاده از موقعیت شان فراهم نماید. که این امر نیازمند تلاش‌های مسئولان ذی ربط در این خصوص می‌باشد. با توجه به اینکه دیوان کیفری بین‌المللی ICC به عنوان یکی از واقعیت‌های موجود جهانی در سال‌های اخیر از سوی سیاستگذاران، ناظران و کارشناسان بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. متأسفانه در عمل، در سطح جامعه جهانی، اجرایی کردن مقررات دیوان و اساسنامه آن از سوی کشورها با مشکلاتی همراه بوده است، برخی از کشورها تعقیب و محاکمه را فقط در خصوص بعضی از جنایات، مانند جنایات جنگی و شکنجه پذیرفته‌اند و یا بر اساس «عُرف بین‌المللی» تعقیب را فقط نسبت به جنایات نژادپرستی و علیه بشریت قبول کرده‌اند. بسیاری از کشورها نیز صلاحیت جهانی را در مورد این جنایات به‌طور نسبی اعمال کرده‌اند. همچنین با توجه به اینکه تصمیم نهایی در خصوص جرم شناسی خشونت جنسی در مواقع و موارد مختلف در جنگها و غیره با دادستان می‌باشد که خود تحت نظارت و هدایت شعبه مقدماتی دیوان فعالیت می‌کند و این نهاد، عملکرد دادستان را در این خصوص کنترل قضایی می‌نماید. به نظر می‌رسد شیوه تعقیبی که تاکنون در اساسنامه دیوان و آیین دادرسی و ادله آن در صدد ایجاد هماهنگی و کم کردن اختلاف بین کشورهای مختلف طرفدار نظام‌های گوناگون حقوقی در خصوص انواع شیوه‌های تعقیب و تحقیق کیفری بوده است. و به همین لحاظ نیز می‌تواند الگوی مناسبی برای نظام‌های حقوقی ملی باشد و در آینده می‌تواند نقشی موثر در یکنواخت کردن شیوه‌های تعقیب و تحقیق در کشورهای مختلف ایفا نماید.

منابع

۱. ابراهیمی، جهانبخش (۱۳۸۷)، سیری در حقوق بشر، چاپ دوم، تهران، انتشارات قلم.
۲. خاک، روناک (۱۳۸۸)؛ جرم انگاری خشونت جنسی در حقوق بین الملل کیفری، نشریه حقوق بین الملل، شماره ۳۹.
۳. السان، مصطفی (۱۳۸۷)؛ جرم شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۱.
۴. سرمست، بهرام (۱۳۸۸)؛ بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه‌های جدید تهدیدات امنیت بین المللی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۸.
۵. صابر، محمود و میرمجیدی هسجن، سپیده (۱۳۹۲)؛ بررسی تطبیقی جرم انگاری حاملگی اجباری در دادگاه یوگوسلاوی، رواندا و دیوان کیفری بین المللی، حمایت از جنسیت یا دیگر ارزش‌های موضوع حقوق بین الملل، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۲، ص
۶. صلاحی، سهراب (۱۳۹۳)؛ جرائم ارتكابی در زنان ابوغریب از منظر حقوق بین الملل کیفری، مطالعه مورد جنایات شکنجه و خشونت جنسی، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۴.
۷. کاسسه، آنتونیو ۱۳۹۲؛ حقوق بین الملل، ترجمه شریفی طراز کوهی، تهران، انتشارات میزان.
۸. کرباسی، آرزو (۱۳۸۹)؛ خشونت علیه دختران در مخاصمات مسلحانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
۹. محمدخانی، عباس (۱۳۸۹)؛ جرایم علیه بشریت در رویه قضایی محاکم کیفری بین المللی سازمان ملل متحد، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۳، شماره ۱۲.

۱۰. مؤذن زادگان، حسنعلی، حیدری، محمدعلی و منتظری، امین (۱۳۹۲)؛ خصومت های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین المللی، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۵، شماره ۱۷.
۱۱. مؤذن زادگان، حسنعلی، حیدری، محمدعلی و منتظری، امین (۱۳۹۲)؛ خصومت های مسلحانه و خشونت علیه زنان و کودکان از منظر مقررات بین المللی، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۵، شماره ۱۷.
12. Denov, M(2015). "Children Born Of Wartime Rape: The Intergenerational Realities Of Sexual Violence And Abuse." *Ethics, Medicine And Public Health* 1.1: 61-68.
13. Enhassine, S.(2015) Is 'Justice' ever Possible For Victims Of Gender-Based Violence During Armed Conflict? A Critical Reflection Of The Position Of Women Within International Criminal Justice,P10.
14. Ezeani , E. C., & Jones, R. E. (2016). Rape And Sexual Violence In War: Establishment Of A Non-Derogable Norm?
15. Jenks, C., & Morse, J. (2016) . Sexual Assault As A Law Of War Violation & Us Service-Members' Duty To Report .
16. Snyder, J. (2016). A New Definition Of A War Criminal: Present Day Nazi War Criminal Prosecutions. *Chi.-Kent J. Int'l & Comp. L.*,16, 164-164.